

در هوای ۵۷

حسین قدیانی



دیروز مصلا غوغای عاشقانه بود، امروز بهشت‌زهر، غوغای عاشقانه است و فردا هم! «دشمن خیال کرده ما نوگل بهاریم اما امام ما گفت» ملتی که شهادت دارد، اسارت ندارد! انقلاب اسلامی زنده است، یکی هم به نشان شهیدایش! فرقی نمی‌کند برای ما، شهید را از دل رم‌های فکته آورده باشند یا از لابه‌لای جزر و مد ارونند و یا از قلب خرواری آوار! شهید، شهید است و فراتر از بزرگوارانه، عاشقانه مشایعت می‌شود به سوی بهشت، آری! زیر تابوت سبز و سفید و سرخ شهید، نو به نو احیا می‌شود انقلاب اسلامی. انقلاب اسلامی زنده است، چون مردم، عاشقانه دوست دارند شهیدایشان را. سلام خدا بر شهیدای آتش‌نشان که حالا دیگر همسایه آسمان شده‌اند! سلام خدا بر این ملت شهیدپرور! سلام خدا بر انقلاب اسلامی و سلام خدا بر خمینی بت‌شکن! انقلاب اسلامی آنقدر زنده است که گویا امروز، خمینی می‌خواهد دوباره بیاید و دوباره بروید بهشت‌زهر! و دوباره بدر همه آن دولت‌هایی بگوید که توهم زده‌اند خدا ذیل کدخدا تعریف می‌شود! انقلاب اسلامی آنقدر زنده است که گویا این روزها، تازه می‌خواهند بچه‌های والفجر ۸ به دل ارونند بزنند! انقلاب اسلامی آنقدر زنده است که گویا همین ۲ روز پیش «حسن باقری» جرعه‌نوش باده شهادت شد! انقلاب اسلامی آنقدر زنده است که گویا هنوز قریب یک ماه به شهادت «علمدار» مانده! «حاج حسین خرازی» را می‌گویم؛ سردار شرق ابوالخصیبا! انقلاب اسلامی آنقدر زنده است که گویا هنوز مانده تا موسم خبیر و بدر! دیروز از مصلا تا بهشت‌زهر، معلوم شد تفاوت میان تشییع شهیدا با عناصر میدان سیاست و معلوم شدن انقلاب اسلامی زنده است! زنده به شهادت، در هر میدانی و در هر جایی و جبهه‌ای! ۱۰ روز تمام، دشمن قسم خورده، به خیال خود گرا داد به ملت، لیکن تشییع عاشقانه شهیدای آتش‌نشان، نشان داد خون شهید اجاره سیاسی‌بازی زیر تابوتش را نمی‌دهد! و دیدیم که نداد! و راز آنکه خواندن منار در وصف شهید، از عبارت «بل احیاء...» استفاده می‌کند، همین است! فرق دارد شهید عند ربهم برزقون با آنکه فقط می‌میرد! بر است دست شهید! و ملت، این مهم را می‌داند که تا اسم شهید می‌آید، عاشق می‌شود و شهید! به شهادت آتش‌نشان نگاه می‌کردم، دیدم اغلب مال همین کوچک‌های چند شهید داده جنوب شهرند! همان کوچک‌های آشنا. که محل عبور خمینی بود از بهشت‌زهر! و هنوز هم محل عبور خمینی است! ما ما! ز بهمن ۵۷ تاکنون خود را با همان عشق و دلدادی تشییع می‌کنیم که بهمن‌های انقلاب و جنگ، شهیدایمان را مشایعت می‌کردیم! با شهید، تا دم به بهشت رفتن، حکایت از زنده بودن انقلابی دارد که «اسلامی» بود و رهبرش «خمینی» بود! ما هر وقت دل‌مان برای امام تنگ شود، کافی است به چهره جان‌نشین شایسته او نگاه کنیم! ما هر وقت دل‌مان برای شهید تنگ شود، کافی است به چهره حضرت آقا نگاه کنیم! ما هر وقت دل‌مان برای روزهای انقلاب تنگ شود، کافی است به حکیم فرزانه‌ای نگاه کنیم که «انقلاب» در لفظ و در معنی، هرگز از لسان انقلابی‌اش نمی‌افتد! پس سلام خدا در این یوم‌الله رویایی، بر شاهد شهیدان و رهبر خویان! دیروز از مصلا تا دم در بهشت، با شهیدای شما عشقی کردیم حضرت آقا... فرق داشت این تشییع! گفتیم که! «عاشقانه» بود! دوست می‌داشتیم از صمیم قلب در دانه‌های درون تابوت را...

یادداشت امروز



انقلاب اسلامی ایران - که در آستانه ۴۰ سالگی قرار دارد - پس از گذر از مراحل دشوار تاریخی، مطابق سنت‌های الهی که بر حرکت عمومی تاریخ و جریان کلی حوادث جهان حاکم است، به مرحله‌ای بسیار تعیین‌کننده و حساس از نوره حیات خود وارد شده است. من عقیده دارم تحولات ماه‌های آینده، بر اینکه انقلاب اسلامی چگونه این مرحله را طی خواهد کرد، اثری بسیار تعیین‌کننده خواهد گذاشت، بنابراین یکی از تکالیف بسیار مهم در این مقطع این است که ببینیم این تحولات تحت تاثیر چه راهبردهایی از جانب انقلاب اسلامی و دشمنان آن، شکل خواهد گرفت. برای ورود به این بحث، نیازمند آنیم که ابتدا شمایی کلی از آنچه ارائه کنیم که می‌توان آن را «انقلاب اسلامی در دوران بلوغ» خواند. ۱- انقلاب اسلامی با وجود مواجه بودن با انواع و اقسام دشمنان و مضایق، تا امروز در دست‌نهایی به اصلی‌ترین اهداف خود که تاسیس حکومت اسلامی، ایجاد ساختارهای قانونی یک نظام مبتنی بر تفکر شیعی، تامین استقلال ملی و صیانت از آن، دفاع از تمامیت ارضی کشور در مقابل تهدیدها و تهاجم دشمنان خارجی، ایجاد توسعه و تکمیل زیرساخت‌های حیاتی و در راس همه ایجاد یک نظام مدنی بر پایه عقلانیت اسلامی بوده، تا حد زیادی موفق عمل کرده است. به طور کلی به همه این اهداف باید به مثابه جریان‌های تاریخی نگاه کرد که در طول زمان بلوغ یافته و کامل می‌شود و انتظار تحقق دفعی هیچ‌یک از این اهداف منطقی نیست، بنابراین راه‌های نرفته بسیار است اما با این وجود می‌توان ادعا کرد حتی اگر عرفی‌ترین معیارها در نظر گرفته شود، جمهوری اسلامی در عمل به وعده‌های خود هم صادق و هم موفق بوده و اکنون در موقعیتی قرار دارد که می‌تواند با تعریف اهداف بزرگ‌تر، به سوی آینده جهش کند. شاید با اطمینان بتوان گفت اکنون برای دشمنان انقلاب اسلامی نیز هیچ چیز مهم‌تر از جلوگیری از این جهش یا آنچه رهبر معظم انقلاب اسلامی آن را «عبور از پیچ تاریخی» خوانده‌اند نیست. ۲- حقیقت دیگر درباره انقلاب اسلامی این است که انقلاب اسلامی ایران در مسیر رسیدن به اهداف جهانی خود نیز گام‌های بلند و مهمی برداشته و اکنون یکی از معدود قطب‌های موجود در جامعه بین‌الملل است که اهداف جهانی دارد، با ادبیات جهانی سخن می‌گوید و ابزارهایی واقعی برای اثرگذاری بر معادلات جهانی نیز در اختیار دارد. جمهوری اسلامی ایران در جهان قطب‌زادایی شده کنونی، تنها بازیگری است که مقابل آمریکا به مثابه سرچشمه و نماد استکبار جهانی ایستاده و دارای

انقلاب اسلامی و مسأله «اکنون»

مهدی محمدی

حرف و سخن جهانی، به موازات آن و در رقابت ذاتی با آن است. جهان امروز بویژه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا این حقیقت را به طور کامل درک و بویژه در ۵ سال گذشته - پس از آغاز انقلاب‌های اسلامی در منطقه خاورمیانه - با تمام وجود لمس کرده است که ۲ مدل ایرانی و آمریکایی برای اداره جهان وجود دارد که نمونه‌های کوچک‌تر آن اکنون در این منطقه در معرض تجربه و قضاوت همگان قرار گرفته است. مدل ایرانی مبتنی است بر حاضر و ناظر دانستن خداوند، اولویت دادن ارزش‌های الهی و انسانی بر منافع زودگذر مافیاهای جهانی، نفی ظلم، تبعیض و سلطه و ایجاد حداکثر مقدار رفاه مادی برای کسانی که ذیل یک حکومت مبتنی بر ارزش‌های الهی زندگی می‌کنند. این دقیقاً رویاروی مدل آمریکایی اداره منطقه و جهان قرار می‌گیرد که اساساً مبتنی است بر اصالت سود و لذت، بی‌ارزش دانستن جان، آبرو، مال و ناموس آدمیان، به بردگی کشیدن انسان‌ها برای تامین منافع یک مافیای خاص در ابعاد منطقه‌ای و جهانی، نفی اخلاق، ایمان و انسانیت و در نهایت بدل کردن صحنه جهانی به عرصه بردگی مدرن آدمیان در مقابل اربابان مدرن غربی. انقلاب اسلامی ایران اکنون در موقعیتی است که هم این رویارویی را شفاف کرده و هم نشان داده است توان پیروزی در آن را دارد. ۳- حقیقت دیگری که باید درباره موقعیت تاریخی نوین انقلاب اسلامی ایران به آن توجه کرد - و من باور دارم توجه به این حقیقت نقش مهمی در به روزرسانی مفهوم انقلابی بودن ایفا می‌کند - این است که جهان جدیدی ظهور کرده یا در حال ظهور است که اتفاقاً با اهداف انقلاب اسلامی ایران بی‌نسبت نیست. این جهان جدید، مبتنی است بر تبدیل اطلاعات و دانش به اصلی‌ترین منبع قدرت، کاهش شدید توان تعیین‌کنندگی و تمام‌کنندگی ابزارهای سنتی قدرت نظیر نیروی نظامی، بدل شدن جهان به تریمنالی از شاهراه‌ها و کور راه‌های اطلاعاتی که در آن تقریباً همه بخش‌های جهان و همه انسان‌ها در بستر فضای مجازی به هم مرتبط شده‌اند و همین امر دقیقاً بر خلاف اراده کسانی که تا دیروز خود را یگانه قدرت‌های هژمونیک مدیریت‌کننده جهان می‌دانستند، به ابزاری نیرومند در دست آزادی‌خواهان بدل شده تا بتوانند نظم و مناسبات کنونی حاکم بر جهان را که اساساً مبتنی بر مشروعیت

بخشیدن به سلطه آمریکا و قدرت‌های مستکبر است، به چالش کشیده و گام‌هایی اساسی برای استقرار یک نظم نوین بردارند. این جهان جدید اگرچه در اصل با هدف تبدیل سلطه نامشروع مستکبران به رهبری مشروع از سوی آنان - به تعبیر برژینسکی - ایجاد شده اما بتدریج خود به یکی از نیرومندترین ابزارها در دست انقلابیون برای مشروعیت‌زایی از این نظام بدل خواهد شد - چنانکه شده است - و نخستین علامت آن در انقلاب‌های اسلامی منطقه نمایان شد. جامعه ایرانی نیز در حال استفاده فزاینده از این بستر است و جریان انقلابی به شرط وجود نگاه راهبردی مبتنی بر درک موقعیت تاریخی بی‌ظنیر انقلاب اسلامی و ماموریتی که اکنون بر عهده جامعه ایرانی قرار دارد - منازعه عظیمی که در گیر آن شده، می‌تواند از این ابزار برای «استکبارزدایی از جهان» استفاده کند، در حالی که دشمنان انقلاب سعی می‌کنند از آن برای «انقلاب‌زدایی از ایران» استفاده کنند. ۴- مسأله بسیار کلیدی دیگر دربراه توصیف موقعیت و جایگاه کنونی انقلاب اسلامی این است که این انقلاب یک تجربه تاریخی منحصر‌فرد از جامعه‌سازی، کشورداری، پیشرفت و حضور در صحنه بین‌المللی بر اساس اصل «تبعیت از ولایت فقیه» ایجاد کرده است. شاید برای دشمنان ملت ایران نیز اکنون هدفی مهم‌تر از نفی این تجربه - که می‌توان آن را عقلانیت ولایی نامید - و جلوگیری از بلوغ و تکامل آن وجود نداشته باشد. نشان دادن اهمیت، جایگاه و کارآمدی مدل مبتنی بر تبعیت از ولایت فقیه و اتخاذ منظر و نگاه ولایی به مسائل ملی و جهانی، یکی از اصلی‌ترین توفیقات انقلاب اسلامی در سال‌های گذشته و مهم‌ترین عامل قرار گرفتن آن در موقعیت تاریخی کنونی است. شواهد نشان می‌دهد ارزش این مدل، در ابعاد منطقه‌ای و جهانی کشف شده و توان و هنرمندی آن در تلفیق پیشرفت با عدالت و معنویت، و اقتدار با اخلاق، و



با حضور باشکوه، عاطفی و سرشار از قدردانی مردم در تشییع شهیدای آتش‌نشان حال و هوای پایتخت آکنده از عطر ایثار و شهادت شد

بدرقه عاشقانه

سلیمانی است که امروز تمام جهان و بازیگران کلیدی منطقه به توفیق آن در ناکام گذاشتن برنامه بسیار خطرناک آمریکا و صهیونیسم جهانی برای حاکم کردن تروریست‌ها بر سرنوشت منطقه غرب آسیا اعتراف می‌کنند اما او و یارانش خود را چیزی بیش از «سرباز رهبری و ملت» نمی‌دانند. همین تفکر و سبک رفتار است که می‌تواند و باید در صحنه‌های دیگر نیز به کار گرفته شود و آن زمان است که خواهیم دید مشکلات دشوار چگونه آسان می‌شود و از پیش پای ملت بزرگ ایران برمی‌خیزد. ۶- در ادامه آنچه گفته شد این نتیجه منطقی ناگزیر رخ می‌نماید که همین تفکر و سبک رفتار و مدیریت، بهترین و مهم‌ترین و موثرترین راه برای حل تنگناهای معیشتی و اقتصادی است که اکنون ملت ایران را در فشار و سختی قرار داده است. امروز اصلی‌ترین وظیفه جریان انقلابی این است که معیشت آبرومند و مطمئن را برای احاد ملت ایران به نحو پایدار فراهم کرده و آینده خود و فرزندان آنها را تا جایی که مقدر است براساس یک الگوی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی تامین و تضمین کند. برای رسیدن به این هدف هیچ راهی جز اتخاذ یک رویکرد انقلابی وجود ندارد و در غیر این صورت، بویژه در صورتی که اراده بر این باشد که روش‌ها و مدل‌های شکست خورده و آزمون پس داده غربی مجدداً در دستور کار قرار گرفته و پیشرفت و رفاه اقتصادی از آنها توقع برود، نتیجه‌اگر بدتر از گذشته نباشد قطعاً بهتر نخواهد بود. اکنون نوبت آن است که به سوی دیگر معرکه، یعنی به جانب دشمن نظر کنیم و ببینیم، وضعیت راهبردی آن را در قالب چه اصولی می‌توان خلاصه کرد. اهمیت این موضوع از آنجاست که هیچ جریان سیاسی در ایران نمی‌تواند مدعی حضور موثر در سپهر جامعه و سیاست باشد مگر اینکه نسبت خود را با مفهوم دشمن مشخص کرده و به برخی سوال‌های بسیار مهم در این باره پاسخ بدهد. ۱- در نظر به سمت دشمن، آنچه باید به صراحت و روشنی بر آن تاکید کرد - و این باور مبتنی بر انبوهی از واقعیات و شواهد کاملاً غیرقابل انکار است - که اصلی‌ترین دشمن ملت ایران همچنان ایالات متحده آمریکا است و بقیه دشمنان ایران اسلامی در بازی آمریکا قرار داشته و خارج از برنامه کلان آن برای مهار، به عقب کشیدن و در نهایت خود فرورنده است. یک نمونه بسیار قابل توجه از اثربخشی این تفکر که مایلیم بر آن تاکید کنیم، موفقیت‌های بی‌بدیل و شهرت عالمگیر مدافعان شجاع و قهرمان حرم و جریان مقاومت و سردار شایسته آن حاج قاسم